بسمه تعالی



**حضرت زینب (س) که بود؟**

حضرت زینب(علیها السلام)، نخستین دختر علی و زهرا علیهماالسلام است. معروف ترین نام این بانوی بزرگ، «زینب» است که در لغت، به معنای «درخت نیکو منظر» آمده(1) و معنای دیگر آن «زین اب» یعنی «زینت پدر» است. و به راستی زینب برای مکتب اسلام و مرام پدر، مایه زینت و آبرومندی بی نظیر بوده است.

حضرت زینب(ع) در پنجم جمادی الاولی در سال پنجم یا ششم هجرت، در مدینه دیده به جهان گشود.پس از ولادت حضرت زینب(ع)حضرت فاطمه زهرا(ع) نوزاد را به دست حضرت علی(علیه السلام)داد و فرمود: نام این کودک را برگزین. امام(ع)فرمود: من از پیامبر خدا در نام گذاری دخترم، سبقت نمی گیرم.(2)، در آن هنگام،پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) در سفر بود. چون بازگشت، امیرمؤمنان(علیه السلام)نام نوزاد را از آن حضرت پرسید. رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فرمود: من از خدایم در نام گذاری او پیشی نمی گیرم. آن گاه از جانب خداوند جبرئیل فرود آمد و گفت: خداوند نام این نوزاد را «زینب» برگزیده(3) و آن را در لوح محفوظ نگاشته است.(4).

نام گذاری حضرت زینب(ع)، از سوی پروردگار حکایت از عظمت و بزرگی مقام آنحضرت نزد خداوند متعال دارد

حضرت را ام کلثوم کبری، و صدیقه صغری می‏نامیدند برای آنحضرت نام ها والقاب زیادی بیان شده همانند عقیله بنی هاشم عالمه غیرمعلَّمه، عارفه، موثّقه، فاضله، کامله، عابده آل علی، معصومه صغری، امینة اللّه، نائبة الزهرا، نائبة الحسین، عقیلة النساء، شریکة الشهداء، بلیغه، فصیحه، و شریکة الحسین.(5) حضرت زینب(علیها السلام) از نظر شخصیت و لیاقت، مصداق راستین نام ها و القاب مزبور است.

با پسر عموی خود «عبد اللّه‏ بن جعفر» ازدواج کرد و ثمره این ازدواج فرزندانی بود که دو تن از آن‏ها (محمد و عون) در کربلا، در رکاب ابا عبد اللّه‏ الحسین علیه‏السلام شربت شهادت نوشیدند(6)

آن بانوی بزرگوار سر انجام در پانزدهم رجب سال 62 هجرت، با کوله باری از اندوه و غم و محنت و رنج دار فانی را وداع گفت.

**شخصیت حضرت زینب(علیها السلام(**

**روان شناسان معتقد اند که:** عامل وراثت، تربیت و محیط در تکوّن و ساختار پایه های شخصیت آدمی نقش بنیادین دارند.(7) درباره حضرت زینب(علیها السلام)، سه اصل اساسیِ مزبور جایگاه ویژه داشت:

**الف. وراثت:** حضرت در خانواده وحی(نبوت و ولایت) بدنیا آمد، جدش پیامبر اکرم(ص) پدرش امیرالمومنین علی(ع) ومادرش فاطمه زهرا دختر پیامبراکرم(ص)بود.

پیامبر اکرم در مورد فرزندان فاطمه فرمود:

 «... وُلدِ فاطِمَةَ فَانَا وَلِیُّهُم وَ عُصبَتُهُم، وَ هُم خُلِقُوا مِن طِینَتِی...»(8) فرزندان فاطمه (حسن، حسین، زینب، و امّ کلثوم)، که من ولی و سرپرست نَسَبی آنها هستم، از طینت و خمیره ذات من آفریده شده اند.

بنابر این حضرت زینب(ع) در همچون خانواده ای بدنیا آمد و مراتب کمال را از این سه شخصیت بزرگ به ارث گرفته است.

**ب. تربیت:** حضرت زینب(ع) از آغاز ولادت تا قریب شش سالگی، در دامان پُرمهر پیامبر و حضرت علی(ع) و فاطمه زهرا(س)تربیت یافت و با نظارت دقیق این خانواده رشد نمود.

تربیت حضرت زینب(علیها السلام) در همچون خانواده ای سبب شد که این شخصیت والامقام به عنوان سومین بانوی جهان اسلام پس از حضرت خدیجه(علیها السلام) و فاطمه زهرا(علیها السلام)، به شمار آید.

**ج. محیط:** یکی دیگر از پایه های مهم ساختمان شخصیتآدمی محیط است. حضرت زینب(ع) در محیطی که کانون فضایل، صفا و صمیمیت بود، رشد و نمو یافت. محیط زندگی حضرت زینب(ع) در شهر مدینه، خانه حضرت علی(علیه السلام)، فاطمه(ع)، حسن و حسین(ع)بود; همان خانه ای که کعبه آمال و محبوب دل های مؤمنان بوده است. چنین محیطی نورانی و خانه ای بابرکت، ارزش های والای دینی و انسانی را در وجود پر برکت ایشان بارور و شکوفا ساخت.

**منزلت حضرت زینب(علیها السلام(**

حضرت از مقام و جایگاه ویژه ای بهرمند بود به طوری که هرگاه بر پدر وارد می شد، امام(علیه السلام)از جای برمی خاست و ایشان را با احترام زیاد در جای خود می نشاند. ایشان امین پدر بود.

همچنین زینب کبری(ع) بعد از پدراز منزلت ویژه ای نزد امام حسن(ع) و امام حسین(ع) برخوردار بود. این دو امام نهایت احترام را در حق خواهر روا می داشتند،سعی می کردند مصایب و مشکلاتی که برایشان رُخ می دهد حضرت زینب(علیها السلام) متوجه نشود و ناراحت نگردد.

اما محبت امام حسین(علیه السلام) و زینب(علیها السلام) علاقه ای متقابل و استثنایی بود. امام حسین(علیه السلام) نیز فوق العاده حضرت زینب(علیها السلام)را عزیز و گرامی می داشت،(9) ایشان را محرم راز و امین خود می دانست و ودایع خویش را به ایشان می سپرد. امام حسین(علیه السلام)اسرار امامت را به ایشان سپرد.(10) این مسئله مقام و شأن حضرت زینب(علیها السلام) را گواهی می دهد. هنگام دیدار حضرت زینب(علیها السلام) از برادر، امام(علیه السلام)برای او جا باز می کرد، با شادمانی ایشان را در کنار خود می نشاند و در قرب جوارش بود.(11).

**فضایل و مناقب حضرت زینب(علیها السلام)**

زینب کبری(علیها السلام) دارای فضایل و مناقب فراوان است. همان گونه که اشاره شد،او را عالمه غیرمعلَّمه، عقیله بنی هاشم، معصومه صغری و... لقب داده اند.(12). که هر کدام از این موارد گواه روشن در اثبات مقام این بانوی بزرگ اسلام است.

حضرت زینب(علیها السلام) بانویی بلندقامت، نیکو چهره و عالی مقام بود، در وقار و شخصیت، مانند جدّه اش حضرت خدیجه(علیها السلام)، در حیا و عفّت، همچون مادرش فاطمه زهرا(علیها السلام)، در رسایی و شیوایی بیان، مانند پدرش حضرت علی(علیه السلام)، در حلم و بردباری، چون امام حسن(علیه السلام)و در شجاعت و قوّت قلب، مانند برادرش امام حسین(علیه السلام) بود.(13) که در اینجا به تعدادی از فضایل آنحضرت اشاره می کنیم.

**1-علم و دانش**

سخنان و خطبه های عالمانه، همراه با استدلال به آیات قرآن، در کوفه، مجلس عبیداللّه بن زیاد و همچنین در دربار یزید، از سوی حضرت زینب(علیها السلام) هر کدام شاهدیبر تواناییِ دانش این بانوست. ابن عبّاس گفتار پر ارج فاطمه زهرا(علیها السلام) را درباره «فدک»، از حضرت زینب(علیها السلام)نقل کرده، می گوید: «عقیله ما زینب دختر علی چنین گفت: ...»(14) افزون بر آن، درس و تفسیر قرآن از سوی حضرت زینب(علیها السلام)، برای زن های کوفه در زمان حکومت پدرش حضرت علی(علیه السلام)بیانگر دانش ایشان است.(15).

حضرت زینب(علیها السلام) مقام بیان روایت و حدیث را دارا بود; چنان که محمّدبن عمرو، عطاء بن سائب، فاطمه بنت حسین و دیگران از زینب(علیها السلام) نقل حدیث کرده اند.(16).

عقیله بنی هاشم حتی آگاهی به حوادث آینده را از پدر بزرگوار خود فرا گرفته بود،همان گونه که بعضی از اصحاب خاص پیامبر(صلی الله علیه وآله)مانند سلمان، ابوذر و برخی از یاران حضرت علی(علیه السلام)مانند میثم تمّار و رشید هجری به این گونه اسرار آگاه بودند.(17)

حضرت زینب(علیها السلام) دانشی سرشار داشت. طبیعی است کسی که از محضر پیامبر(ص) (شهر علم) و حضرت علی(ع) (دروازه علم) کسب دانش نموده باشد، باید دریای علم باشد.

درنتیجه حضرت زینب(ع) «عالمه غیرمعلَّمه» بود، چنان که احتجاجات او در کوفه و شام در برابر دشمن، مانند احتجاج مادرش حضرت زهرا(علیها السلام) بود که درباره «فدک» ابراز نمود.

**2-پرستش و عبادت**

عبادت رفیع ترین مقام آدمی است. ائمّه اطهار(علیهم السلام) هر کدام مرتبه اعلای از این مقام را دارا بودند. حضرت زینب(ع) نهایت عبادت و تعظیم را در برابر پروردگار داشت.

حضرت زینب(ع) از نیایش و مناجات های پیامبر(ص) با خبر بود، عبادت علی وفاطمه(ع) را شاهد بود. ونیز نیایش های امام حسن مجتبی(ع)را در دل شب ها و روزها دیده بود، وبلاخره عبادت و مناجات های امام حسین(ع) را، به ویژه در شب و صبح عاشورا، به تماشا نشسته بود و هر یک برایش درس و الگوی عبادت و مناجات بود.

حضرت زینب کبری(علیها السلام) شب ها به عبادت می پرداخت و در دوران زندگی، هیچ گاه تهجّد را ترک نکرد. آنچنان به عبادت اشتغال ورزید که ملقّب به «عابده آل علی» شد.(18) شب زنده داری حضرت زینب(علیها السلام)، حتی در شب دهم و یازدهم عاشورا، ترک نشد. فاطمه دختر امام حسین(علیه السلام)می گوید:

در شب عاشورا، عمّه ام پیوسته در محراب عبادت ایستاده بود، نماز و نیایش داشت و پیوسته اشک هایش سرازیر می شد.(19)

امام زین العابدین(علیه السلام)، می فرماید:

عمّه ام زینب در طول سفر اسارت از کوفه تا شام، پیوسته نمازهای واجب و مستحب خود را انجام می داد و در بعضی منزل گاه ها می دیدم که ایشان در اثر ضعف و گرسنگی، نماز خود را نشسته می خواند; چراکه سهمیه غذای خود را میان کودکان تقسیم می کرد و دیگر توان ایستادن نداشت.(20)

ارتباط حضرت زینب(علیها السلام) با خداوند آن گونه بود که حضرت سیدالشهداء(علیه السلام)در روز عاشورا هنگام وداع، به خواهرش فرمود:

«یا اختی لا تنسینی فی نافلة اللیل» (21)

خواهرم! مرا در نمازهای شب، فراموش نکن.

**3-حجاب و عفّت**

یکی از مهم ترین وظایف بانوان در اسلام پاس داری در حفظ حریم حجاب و عفّت است. در قرآن مجید، در چند آیه(22) به ضرورت حجاب برای زنان تصریح گردیده و در چهارده آیه،(23) درباره عفّت و پاک دامنی هشدار داده شده و در احادیث فراوان نیز هشدارهای مؤکّد در این زمینه داده است.

عقیله بنی هاشم در حجاب و عفّت، مانند مادرش فاطمه زهرا(ع) بود و به این مهم بسیار اهمیت می داد. تا پیش از عاشورا و ماجرای اسارت، نامحرمی حضرت زینب(علیها السلام) را ندیده بود،چنان که در تاریخ آمده است:

هنگامی که زینب می خواست به مسجدالنبی کنار قبر رسول خدا(ص) برود، علی(ع) دستور می داد شب برود. به حسن و حسین(ع) می فرمود: همراه خواهرشان باشند. حسن(علیه السلام)جلوتر و حسین(ع)پشت سر، زینب در وسط حرکت می کردند. آنها از سوی مولای متقیان مأمور بودند که حتی چراغ روی مرقد منوّر پیامبر را خاموش کنند تا چشم نامحرم به قامت زینب نیفتد.(24)

یحیی مازنی می گوید: من در مدینه، مدت زیادی همسایه حضرت علی(علیه السلام) بودم. سوگند به خداوند! در این مدت، هرگز حضرت زینب(ع) را ندیدم و صدایش را نشنیدم.(25) حجاب و عفاف حضرت زینب(علیها السلام) به گونه ای بوده است که علّامه مامقانی در این باره می گوید:

زینب در حجاب و عفاف، یگانه روزگار بوده است. کسی از مردان، در زمان پدرش و برادرانش تا روز عاشورا، اورا ندیده بود.(26)

**4-صبر و استقامت**

ازدیدگاه اسلام، صبر جایگاهی بس والا دارد. قرآن به صبرکنندگان بشارت داده است. (بقره: 155) مقام صبر نسبت به ایمان همانند سر برای بدن است. حضرت زینب(ع) نمونه و تجسّم عالیِ صبر و پایداری است. مقاومت و شکیبایی در راه پاس داری از حریم دین و کرامت انسانیت، از ویژگی های بارز این بانوی بزرگ است.

**صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند \*\*\* بر اثر صبر نوبت ظفر آید.(27)**

صبر و ثبات شگفت انگیز حضرت زینب(علیها السلام) همگان را به اعجاب وا داشته است، چه انکه از پنج سالگی بامصیبت آشنا شد،داغ عزیز ترین کسان خود را یکی پس از دیگری دید، ولی در برابر همه این مصیبت ها، قامت برافراشت و صبر کرد.

حضرت زینب(علیها السلام) در وادی صبر و استقامت، یکه تاز میدان است.در بزرگی مقام صبر و بردباری آن گوهر عظیم الهی، همین بس که وقتی در برابر پیکر نورانی و خونین برادرش امام حسین(علیه السلام) رسید، رو به آسمان کرد و گفت:

بار خدایا! این اندک قربانی و کشته در راه خودت را از ما (خاندان پیامبر) بپذیر.(28).

این سخنان زینب(ع)- هنگامی بود که برادرش امام حسین(علیه السلام) و دیگر برادران و فرزندان خویش را از دست داده بود- حاکی از قوّت ایمان، ثبات اعتقاد، گذشتن از خود و فنا شدن ایشان را در خداوند است.([29])حضرت زینب(علیها السلام) در اثر توجه و تربیت خمسه طیّبه، چنان روح بزرگی یافته بود که شهادت عزیزانش را با صبر و ثباتی وصف ناپذیر تحمّل نمود.

درست است که حضرت زینب(ع) در کربلا در برخی موارد گریه و ناله نیز داشت، ولی ناله های حضرت زینب(علیها السلام) در این گونه موارد، دو دلیل داشت:

گاهی عظمت مصیبت بیش از حد سنگین بود، از جمله شهادت حضرت علی اکبر(علیه السلام)، چراکه ایشان مقامی بس ارجمند داشت و شبیه ترین کس به پیامبر(ص) از نظر صورت و سیرت بود.

بنابراین، به شهادت رسیدن حضرت علی اکبر(علیه السلام) و مصیبت از دست دادن آن عزیز، چنان سنگین و کمرشکن بوده است که دل را آب می کند و عاطفه را به جوش می آورد و نالیدن در چنین مصیبت عظیمی، با مقام صبر در تعارض نیست.

دیگر اینکه گریه ها وناله های حضرت زینب(علیها السلام) در کربلا و پس از آن در طول سفر کوفه و شام، در جهت اهداف عالی و رسالت عظمای ایشان، یعنی ابلاغ پیام عاشورا بوده و ایشان از راه های گوناگون، از جمله با خطبه ها و سخنرانی های آتشین و گریه های جانسوز خویش، از نهضت حسینی پاس داری می نمود.

**5-شجاعت و قهرمانی**

از ویژگی های عظیم بانوی کربلا، «شجاعت» است، بدون شک، اگر ذرّه ای ترس از حکومت استبدادی یزید در وجود زینب راه می یافت، در این صورت، نهضت کربلا چنین پیروزی به ارمغان نمی آورد.

حضرت زینب(ع) در این ویژگی، یکه تاز میدان بود. خطبه های آتشین و افشاگرانه ایشان بر ضد دستگاه امویان و گفتار کوبنده اش در فرصت ها برای دفاع از نهضت حسینی، و صلابت بی نظیر ایشان در کوفه و شام، همه بیانگر قهرمانی و شجاعت ایشان است. «زینب به عنوانشیرزن کربلا و خطیب قهرمان پیامرسان خون شهیدان، در پیشانی اسلام تابید»(30) و جهاد و دفاع ایشان از اسلام و دیانت به ابدیت پیوست.

حضرت زینب(ع) در قیام عاشورا شجاعتی شایان از خود به نمایش گذاشت. ایشان بارها جان امام سجّاد(ع)را از مرگ نجات داد، از جمله در مجلس ابن زیاد، پس از احتجاج حضرت سجّاد(علیه السلام) با ابن زیاد، امر به شهادت او داد. حضرت زینب(علیها السلام) دست در گردن فرزند برادر انداخت و فرمود: «تا زنده ام، نخواهم گذاشت او را بکشید.»(31) و هرگز به ابن زیاد و یزید بن معاویه اعتنایی نکرد و در حالی که آنان در اوج اقتدارشان بودند، و پاسبان ها با شمشیرهای از نیام بیرون کشیده اطراف ایشان را گرفته بودند، سخنانی ایراد کرد که یزید و اطرافیان وی را رسوا ساخت.

**6. فصاحت و بلاغت**

بانوی قهرمان کربلا، فصاحت و بلاغت را از پدر و مادر گرامی اش به ارث برده بود. «هنگامی که سخن می گفت، گویی از زبان پدر، ایراد سخن می کرد.»(32) سخنانش در کوفه و مجلس یزید و نیز گفتگوهای ایشان با عبیداللّه بن زیاد، بی شباهت به خطبه های امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) و خطبه «فدکیّه» مادرش زهرا(علیها السلام)نیست.(33) این خطبه ها در حالی ایراد می شدند که حضرت زینب(ع) داغ های فراوانی بر سینه داشت، گذشته از آنکه تشنه، گرسنه و بی خواب بود، سختی سرپرستی کودکان و راه را نیز به دوش می کشید.

وقتی حضرت زینب(ع) در کوفه، آن خطبه فصیح، آتشین و شورانگیز را ایراد نمود، مردم دست ها را به دندان گزیدند و با تعجب به هم نگاه کردند! در همان موقع، پیرمردی در حالی که می گریست و محاسنش از اشک چشمش تر شده بود، دست به سوی آسمان بلند کرد و گفت:

پدر و مادرم فدای ایشان که سال خوردگانشان بهترین سال خوردگان و کودکان ایشان بهترین خردسالان، و زنانشان بهترین زنان و نسل آنها والاتر و برتر از همه نسل هاست.(34).

**نتیجه گیری**

حضرت زینب(علیها السلام) افزون بر ویژگی ها و فضیلت های شخصیتی، که از خاندان وحی ارث برده بود، در به ثمر رساندن نهضت عاشورا، نقش فوق العاده داشت. او پس از عاشورا، در کنار سرپرستی اسیران و حفظ جان امام سجّاد(علیه السلام) از خطرها، توانست انقلاب حسینی را با تحمّل زحمت های فراوان به پیروزی نهایی برساند و در انجام رسالت خویش، با صلابت و استواری ایستاد و نقش سنگین و رسالت خویش را به خوبی به پایان رساند تا آیین پیامبر(صلی الله علیه وآله) و انقلاب کربلا دست خوش تحریف نگردد.

**پی نوشت ها**

[1]ـ جبران مسعود، الرّائد، ترجمه رضا انزابی، چ دوم، مشهد، آستان قدس رضوی، 1376، ج 1، ص 924.

 [2]ـ سیدکاظم ارفع، حضرت زینب(علیها السلام) سیره عملی اهل بیت، تهران، نشر قادر، 1377، ص 7.

[3]ـ باقر شریف القرشی، السیده زینب، بیروت، دارالتعارف، 1419، ص 30ـ31 / حسن الهی، زینب کبری عقیله بنی هاشم، تهران، آفرینه، 1375، ص 29.

[4]ـ جعفر النقدی، زینب الکبری بنت الامام، النجف الاشرف، المکتبة الحیدریه، 1361، ص 21 / سید نورالدین جزائری، خصائص الزینبیه، ترجمه باقر ناصری، چ دوم، قم، جمکران، 1379، ص 60.

 [5]ـ نورالدین جزائری، پ سید نورالدین جزائری، خصائص الزینبیه، ترجمه باقر ناصری، چ دوم، قم، جمکران، 1379 ص 67

- [6]شیخ ذبیح اللّه‏ محلاتی، ریاحین الشریعة، (تهران، دار الکتب الاسلامیة) ج3، ص46

(7)ـ عبداللّه شفیع آبادی، مبانی روان شناسی رشد، چ پنجم، تهران، چهر، 1371، ص 23ـ31.

(8)ـ سیدمرتضی حسینی فیروزآبادی، الفضائل الخمسه، انتشارات فیروزآبادی، 1374، ج 3، ص 150.

 (9)ـ ذبیح اللّه محلّاتی، ریاحین الشریعة، تهران، دارالکتب الاسلامیه ، ج 3، ص 76.

(10)ـ احمد بهشتی، زنان نامدار در قرآن و حدیث، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، 1368، ص 51.

(11)ـ جعفر النقدی، الکبری بنت الامام، النجف الاشرف، المکتبة الحیدریه، 1361، ص 21 .

(12)ـ سید نورالدین جزائری، پیشین

(13)ـ محمّد محمّدی اشتهاردی، حضرت زینب فروغ تابان کوثر، چ سوم، تهران، برهان، 1379، ص 22.

(14)ـ احمد بهشتی، پیشین، ص 51.

(15)ـ ذبیح اللّه محلّاتی،پیشین، ص 57.

(16)ـ احمد صادقی اردستانی، زینب قهرمان دختر علی، تهران، مطهر، 1372، ص 100.

(17)ـ ذبیح اللّه محلّاتی، پیشین، ج 3، ص 56.

 (18)ـ جعفر النقدی، پیشین، ص 61.

(19)ـ احمد صادقی اردستانی، پیشین، ص 106.

(20)ـ ذبیح اللّه محلّاتی، پیشین، ج 3، ص 62.

(21)ـ جعفر النقدی، پیشین، ص 62.

(22)ـ نور: 30 / احزاب: 32، 33 و 59.

(23)ـ نور: 2، 32، 27، 28، 30، 31، 32، 33، 58، 60 / احزاب: 32، 59 / قصص: 25.

(24)ـ سید عبدالحسین دستغیب، زندگانی حضرت زینب، تهران، کاوه، ص 19.

(25)ـ محمّد محمّدی اشتهاردی، پیشین، ص 99.

(26)ـ حسن الهی، پیشین، ص 99 به نقل از: عبداللّه مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف اشرف، مطبعة المرتضویة، 1352، ج 3، ص 79.

(27)ـ حافظ شیرازی.

 (28)ـ سید علی نقی فیض الاسلام، خاتون دوسرا (شرح حال زینب)، چ دوم، تهران، نشر آثار فیض الاسلام، 1366، ص 185.

(29)ـ همان.

 (30)ـ محمّد محمّدی اشتهاردی، پیشین، ص 81.

(31)ـ محمّدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج 45، ص 117.

(32)ـ احمد بهشتی، پیشین، ص 51.

(33)ـ سیدکاظم ارفع، پیشین، ص 88.

(34)ـ سیدبن طاووس، اللهوف، تهران، دارالعالم، 1348ش، ص 149 / محمّدباقر مجلسی، پیشین، ج 45، ص 110.